

خرس کوچولو

۱ چهار سطر اول را از روی درس، با خط خوش بنویس.

خرس کوچولو بارها شنیده بود که «میکروب‌ها» موجودات خطرناکی هستند. به همین دلیل تصمیم گرفت با آن‌ها بجنگد. یک روز صبح زود، چربی برداشت و به راه افتاد. در راه به یک بچه گنجه شک رسید. نکاهی به او کرد و گفت: من می‌خواهم با میکروب‌ها بجنگم.

۲ کلمه‌های جدول را از درس پیدا کن و بنویس.

			ل		ع
		ی			ط
		م			ت
	ب				ز
ت					ا

۳ مانند نمونه، جاهای خالی را کامل کن.

- ♦ کسی که سواد ندارد، بی سواد است.
- ♦ کسی که هنر ندارد، بی هنر است.
- ♦ کسی که حوصله ندارد، بی حوصله است.

۴ با کلمه‌ی «عَسَل» دو جمله بنویس.



۱ پنج سطر بعدی را از روی درس، با خط زیبا و خوانا بنویس.

اما خرس کوچولو به بقیه حرف های او گوش نکرد. رفت تا به بچه فیلی برسد.
 پرسید: تو میکروب ها را این طرف ها ندیده ای؟ من می خواهم با آن ها
 بجنگم. بچه فیلی گفت: اگر می خواهی با میکروب ها بجنگی، باید اول
 دست های را خوب بشوئی. خرس کوچولو که از حرف های بچه فیلی
 هم چیزی نفهمیده بود، ناراحت و بی حوصله به راه افتاد.

۲ درس را بخوان، کتابت را ببند و کلمه هایی را که به یادت مانده، بنویس.

۳ مانند نمونه، دسته بندی کن.

خوش حال - خواستم - موز - خراب - کوز - موش - دکامار - کز - خولنا - گروهی - مویز - درخشان

خواندن	نوشتن	ابرد	درو
خواستم	وزیر	گروهی	خوش حال
خراب	دکامار	موزچه	روشن
خوانا	سرو	موش	موز

۴ ادامه ی داستان زیر را به دلخواه بنویس.

یک روز سعید و امیر به مغازه ای رفتند و یک ظرف ماست خریدند. وقتی به خانه برمی گشتند، ناگهان ظرف ماست از دست امیر افتاد و همی ماست روی زمین ریخت.

